

ادغام در اقتصاد جهانی و عملکرد نابرابر کشورهای آسیای مرکزی در دستیابی به هدف‌های توسعه هزاره

داود رضایی اسکندری*

دکترای روابط بین‌الملل از دانشگاه تهران

(تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۱۲/۱۰ - تاریخ تصویب ۱۳۹۰/۲/۱۰)

چکیده

هدف‌های توسعه هزاره مجموعه‌ای از هدف‌های توسعه بین‌المللی هستند که شامل ۸ هدف یا آرمان کلی و ۲۱ هدف عملیاتی هستند که همه کشورها متعهد شده‌اند تا سال ۲۰۱۵ به آنها دست پیدا کنند. بررسی عملکرد کشورهای آسیای مرکزی حکایت از دستاوردهایی نامتقارن در دستیابی به این هدف‌ها دارد. این مقاله در نظر دارد تا تأثیر میزان ادغام اقتصادی کشورهای منطقه در اقتصاد جهانی را در عملکرد نابرابر این کشورها در دستیابی به هدف‌های توسعه هزاره به صورت مقایسه‌ای مورد بررسی قرار دهد. شاخص‌های آزادی اقتصادی، عضویت در سازمان‌های بین‌المللی اقتصادی، جذب سرمایه‌های خارجی و نسبت تجارت به تولید ناخالص داخلی در این کشورها با این هدف مورد استفاده قرار گرفته‌اند.

کلید واژه‌ها

هدف‌های توسعه هزاره، اقتصاد جهانی، آزادی اقتصادی، سرمایه‌گذاری خارجی، آسیای مرکزی

مقدمه

«هدف‌های توسعه هزاره»^۱ مجموعه‌ای از هدف‌های توسعه بین‌المللی هستند که از «اعلامیه هزاره» مصوب رهبران و نمایندگان عالی‌رتبه ۱۸۹ کشور جهان در نشست هزاره سازمان ملل متحد، در سپتامبر ۲۰۰۰، استخراج شده‌اند. این هدف‌ها شامل ۸ هدف یا آرمان کلی و ۲۱ هدف عملیاتی هستند که همه کشورها متعهد شده‌اند تا سال ۲۰۱۵ به آنها دست یابند. هدف‌های کلی یا آرمان‌های کلان توسعه هزاره عبارتند از: ریشه‌کن کردن فقر شدید و گرسنگی، دستیابی به آموزش ابتدایی عمومی، ترویج وسیع برابری جنسیتی و توانمندسازی زنان، کاهش مرگ و میر کودکان، بهبود وضعیت بهداشت مادران، مبارزه با ایدز، مالاریا و بیماری‌های دیگر، تضمین پایداری محیط زیست و درنهایت مشارکت جهانی برای توسعه. همان‌گونه که از عنوان این هدف‌ها نیز پیداست همه آنها رفع فقر در ابعاد مختلف آن از جمله رفع فقر اقتصادی، آموزشی، بهداشتی و زیست محیطی را مدنظر دارد (رضایی، ۱۳۸۸، صص ۹۷-۹۶).

پس از تصویب هدف‌های توسعه هزاره، همه کشورها به‌ویژه کشورهای در حال توسعه اقدام‌های گسترده‌ای را برای رسیدن به این هدف‌ها به‌عمل آورده‌اند. هر چند که نتایج حاصله در کشورها و مناطق مختلف یکسان نبوده است. این موضوع در بررسی عملکرد پنج کشور آسیای مرکزی در دستیابی به هدف‌های توسعه هزاره در دوره ۲۰۰۰-۲۰۰۷ نیز نمایان است. بررسی این هدف‌ها و شاخص‌های مربوط به آنها و ارزیابی پیشرفت‌های صورت گرفته نشان می‌دهد که عملکرد پنج کشور آسیای مرکزی در دستیابی به این هدف‌ها متفاوت و ناهماهنگ بوده است. بررسی شاخص‌های هدف‌های هزاره نشان می‌دهد که قزاقستان و قرقیزستان به ترتیب بهترین عملکرد را در دستیابی به هدف‌های هزاره داشته‌اند. ازبکستان حالت متوسطی دارد و ترکمنستان و تاجیکستان نیز به ترتیب ضعیف‌ترین عملکرد را در دستیابی به هدف‌های توسعه هزاره داشته‌اند (رضایی، ۱۳۸۸، صص ۱۷۶-۱۷۲).

علت‌هایی مانند کمک‌های خارجی، ساختارهای داخلی و یا ادغام در اقتصاد جهانی را برای این عملکرد نابرابر کشورهای منطقه می‌توان در نظر گرفت. این مقاله در نظر دارد تا ضمن بررسی تطبیقی وضعیت کشورهای آسیای مرکزی در ادغام در اقتصاد جهانی به بررسی نقش

1. Millennium Development Goal (MDG)

احتمالی این عامل در این عملکرد ناهماهنگ را مورد توجه و بررسی قرار دهد. این مقاله تلاش خواهد کرد تا به این سؤالها پاسخ دهد: عملکرد کشورهای آسیای مرکزی جهت ادغام در اقتصاد جهانی چگونه بوده است؟ کدامیک از کشورهای منطقه در این خصوص موفقتر بوده‌اند؟ آیا عملکرد همه کشورهای منطقه در یک سطح قرار دارد؟ آیا می‌توان ارتباطی بین عملکرد هر یک از این کشورها در ادغام در اقتصاد جهانی و عملکرد نابرابر آنها در دستیابی به هدفهای توسعه هزاره برقرار کرد؟

در پاسخ به این سؤالها، ادغام در اقتصاد جهانی را با شاخص‌هایی چون آزادی اقتصادی، عضویت در سازمان‌های بین‌المللی اقتصادی، جذب سرمایه‌های خارجی و نسبت تجارت به تولید ناخالص داخلی مورد ارزیابی قرار خواهیم داد. در پایان نیز تلاش خواهد شد تا مقایسه‌ای بین کشورهای منطقه صورت گیرد تا نشان داده شود که کدامیک از این کشورها در این زمینه موفقتر عمل کرده‌اند و این که آیا می‌توان ارتباطی بین عملکرد آنها در ادغام در اقتصاد جهانی با وضعیت آنها در دستیابی به هدفهای توسعه هزاره برقرار کرد یا خیر؟

ادغام در اقتصاد جهانی به معنی میزان تعامل، اثرگذاری و یا اثرپذیری یک کشور در تعامل اقتصادی خود با دیگر کشورها است. به عبارتی هر چه سطح درهم تنیدگی اقتصادی کشوری با دیگر کشورها بیشتر باشد و یا هر چه میزان آزادی اقتصادی در کشوری بیشتر باشد به معنی فراهم بودن شرایط اولیه لازم برای ادغام بیشتر در اقتصاد جهانی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی و تعاملات اقتصادی است. همچنین هر چه صادرات و واردات سهم بیشتری در تولید ناخالص داخلی کشور داشته باشند، به معنی وابستگی بیشتر کشور در اقتصاد جهانی است. حجم سرمایه‌گذاری خارجی در یک کشور نیز می‌تواند نشان‌دهنده پذیرفتن استانداردهای بین‌المللی برای رفتار با خارجی‌ها و وجود قوانین و مقررات تسهیل‌کننده سرمایه‌گذاری باشد. عضویت در سازمان‌های بین‌المللی اقتصادی مثل عضویت در سازمان تجارت جهانی نیز تسهیل‌کننده روابط خارجی اقتصادی بیشتر و آسان‌تر با جهان خارج و ادغام در اقتصاد جهانی می‌شود. در این مقاله تلاش می‌شود به ترتیب هر یک از این شاخص‌ها برای نشان دادن میزان ادغام کشورهای این منطقه در اقتصاد جهانی مورد بررسی قرار گیرند.

همه کشورهای آسیای مرکزی تا قبل از استقلال جزئی از اتحاد شوروی بودند. بنابراین سیاست اقتصادی این کشورها نیز به شکل نظام اقتصاد دستوری و مدیریت مرکزی شوروی

بوده و هرگونه تعامل اقتصادی و تجاری این کشورها نیز منحصر در قالب جمهوری‌های عضو اتحاد بوده است.

بعد از استقلال تقریباً همه این کشورها گام‌هایی را برای تغییر نظام اقتصادی دستوری و حرکت به سمت نظام اقتصادی بازار محور و تلاش برای ادغام در اقتصاد جهانی به عمل آوردند. تهیه و تصویب سیاست‌ها و راهبردهای جذب و حمایت از سرمایه‌گذاری‌های خارجی و خصوصی‌سازی نسبی اموال و دارایی‌های دولتی از مهم‌ترین اقدام‌های این کشورها در این خصوص بوده است. البته اقدام‌های این کشورها در این مدت نتایج ناهماهنگ و نابرابری را در سطح منطقه به‌نمایش گذاشته است به‌شکلی که برخی کشورهای منطقه چشم‌انداز اقتصادی بسیار روشن‌تری نسبت به دیگر کشورهای همین منطقه از خود ارائه کرده‌اند. بررسی شاخص‌های زیر بهتر این موضوع را نشان می‌دهد.

شاخص آزادی اقتصاد

شاخص آزادی اقتصاد یکی از شاخص‌های مهم در ارزیابی توسعه‌یافتگی اقتصاد کشورها است. آزادی اقتصادی بدین معنی است که هر فرد بتواند آن‌گونه که خود مایل است بر کار و اموال خود کنترل داشته باشد و کار، تولید، مصرف و سرمایه‌گذاری کند. چنین آزادی‌هایی باید توسط دولت حمایت شده و محدود نیز نشود. در یک جامعه آزاد از نظر اقتصادی دولت‌ها اجازه جابه‌جایی آزاد نیروی کار، سرمایه و کالا را به افراد می‌دهند.

در حال حاضر رتبه‌بندی آزادی اقتصادی در کشورها توسط چند نهاد بین‌المللی از جمله بنیاد هریتیج^۱ و مؤسسه فریزر^۲ منتشر می‌شود.^۳ بررسی حاضر براساس گزارش مؤسسه هریتیج صورت می‌گیرد. گزارش مربوط به شاخص‌های آزادی اقتصادی مؤسسه هریتیج برای نخستین بار در سال ۱۹۸۴ منتشر شد و پس از آن به‌صورت سالانه ادامه داشته است. شاخص آزادی

1. Heritage Foundation

2. Fraser Institute

۳. با توجه به اینکه در گزارش‌های مؤسسه فریتز تنها آمار مربوط به دو کشور قزاقستان و قرقیزستان وجود دارد، رتبه‌بندی آزادی اقتصادی کشورهای آسیای مرکزی در این مقاله بر مبنای گزارش بنیاد هریتیج در سال ۲۰۰۹ است. آدرس دقیق دستیابی به این اطلاعات نیز در فهرست منابع پایانی ذکر شده است.

اقتصادی هریتیج با استفاده از حدود پنجاه متغیر مستقل اقتصادی که در ده شاخص دسته‌بندی شده‌اند محاسبه و ارائه می‌شود. بنیاد هریتیج آزادی اقتصادی برای هر شاخص را بر مبنای امتیازی بین صفر تا ۱۰۰ اندازه‌گیری می‌کند که امتیاز ۱۰۰ نشان‌دهنده وجود بالاترین حد آزادی اقتصادی است. امتیاز ۱۰۰-۸۰ نشان‌دهنده داشتن اقتصاد آزاد، امتیاز ۷۹/۹-۷۰ به معنی داشتن اقتصاد به نسبت آزاد^۱، ۶۹/۹-۶۰ به معنی آزادی اقتصادی متوسط^۲، ۵۹/۹-۵۰ اقتصاد تقریباً بسته^۳ و داشتن امتیاز ۴۹/۹-۰ به معنی داشتن اقتصاد کاملاً بسته^۴ است.

این امتیاز برای هر ده شاخص مختلف مورد بررسی ارائه می‌شود. افزون بر این که به هر یک از این ده شاخص امتیاز داده می‌شود از مجموع امتیاز آنها نیز امتیاز کلی آزادی اقتصادی هر کشور محاسبه می‌شود. این ده شاخص عبارتند از: آزادی شغل، آزادی تجارت، آزادی مالیاتی^۵، هزینه‌های حکومت، آزادی پولی^۶، آزادی سرمایه‌گذاری، آزادی مالی^۷، حقوق مالکیت، رهایی از فساد و آزادی نیروی کار. جدول‌های زیر وضعیت آزادی اقتصادی کشورهای آسیای مرکزی را طبق آخرین گزارش سال ۲۰۰۹ مؤسسه هریتیج نشان می‌دهد.

جدول شماره ۱: آزادی اقتصادی در کشورهای آسیای مرکزی (سال ۲۰۰۹)

رتبه منطقه‌ای	رتبه در بین کشور جهان	تغییر نسبت به امتیاز قبلی	امتیاز (۰-۱۰۰)	کشور
۴	۱۴۸	٪-۱/۴	۵۰/۵	ازبکستان
۳	۱۲۲	٪+۰/۲	۵۴/۶	تاجیکستان
۵	۱۶۹	٪+۰/۸	۴۴/۲	ترکمنستان
۱	۷۴	٪+۰/۷	۶۱/۸	قرقیزستان
۲	۸۳	٪-۱	۶۰/۱	قزاقستان

1. Mostly Free
2. Moderately Free
3. Mostly Un-free
4. Repressed
5. Fiscal Freedom
6. Monetary Freedom
7. Financial Freedom

جدول شماره ۲: شاخص‌های آزادی اقتصادی در کشورهای آسیای مرکزی (۲۰۰۹)

امتیاز کلی	۵. آزادی پولی	۴. حجم دولت	۳. آزادی مالیاتی	۲. آزادی تجاری	۱. آزادی کسب و کار	شاخص
						کشور
۵۰/۵	۶۲/۶	۶۸/۱	۸۸/۳	۶۵/۴	۶۸/۴	ازبکستان
۵۴/۶	۶۲/۲	۵۸/۹	۸۹/۳	۸۲/۶	۴۵/۱	تاجیکستان
۴۴/۲	۶۸	۶۸۹۳	۹۰/۹	۷۹/۲	۳۰	ترکمنستان
۶۱/۸	۷۱/۵	۷۴/۹	۹۳/۴	۸۷/۶	۷۵/۳	قرقیزستان
۶۰/۱	۷۰	۸۷/۵	۸۲/۸	۸۶/۲	۵۷/۹	قزاقستان

(Heritage, 2009)

جدول شماره ۳: شاخص‌های آزادی اقتصادی در آسیای مرکزی (ادامه جدول قبلی)

امتیاز کلی	۱۰. آزادی نیروی کار	۹. رهایی از فساد	۸. حقوق مالکیت	۹. رهایی از فساد	۶. آزادی سرمایه گذاری	شاخص
						کشور
۵۰/۵	۶۴/۹	۱۷	۲۰	۲۰	۳۰	ازبکستان
۵۴/۶	۵۸/۷	۲۱	۳۰	۴۰	۳۰	تاجیکستان
۴۴/۲	۳۰	۲۰	۱۰	۱۰	۱۰	ترکمنستان
۶۱/۸	۶۹/۵	۲۱	۲۵	۵۰	۵۰	قرقیزستان
۶۰/۱	۸۰/۵	۲۰	۲۵	۶۰	۳۰	قزاقستان

(Heritage, 2009)

جدول شماره ۴: روند تغییرات شاخص‌های آزادی‌های اقتصادی در آسیای مرکزی

سال	۲۰۰۰	۲۰۰۲	۲۰۰۴	۲۰۰۶	۲۰۰۷	۲۰۰۸	۲۰۰۹	% تغییر ۲۰۰۰-۲۰۰۹	
								کشور	
ازبکستان	۳۸/۱	۳۸/۵	۳۹/۱	۴۸/۷	۵۱/۵	۵۱/۹	۵۰/۵	+۳۲/۵	
تاجیکستان	۴۴/۸	۴۷/۳	۴۸/۷	۵۲/۶	۵۳/۶	۵۴/۴	۵۴/۶	+۲۲	
ترکمنستان	۳۷/۶	۴۳/۲	۵۰/۷	۴۳/۸	۴۳/۰	۴۳/۴	۴۴/۲	+۱۷/۵	
قرقیزستان	۵۵/۷	۵۱/۷	۵۸/۰	۶۱/۰	۶۰/۲	۶۱/۱	۶۱/۸	+۱۱	
قزاقستان	۵۰/۴	۵۲/۴	۴۹/۷	۶۰/۲	۵۹/۶	۶۱/۱	۶۰/۱	+۱۹	

(Heritage, 2009)

همان‌گونه که از جدول بالا نیز پیداست بالاترین رتبه آزادی اقتصادی در آسیای مرکزی مربوط به قرقیزستان است. قزاقستان در جایگاه دوم منطقه قرار گرفته و ازبکستان نیز رتبه چهارم را دارد. ترکمنستان نیز پایین‌ترین امتیاز آزادی اقتصادی در آسیای مرکزی را کسب کرده است. بنابر این برآورد ترکمنستان جزو اقتصادهای کاملاً بسته محسوب شده، ازبکستان و تاجیکستان به‌عنوان اقتصادهایی به نسبت بسته و دو کشور قرقیزستان و قزاقستان نیز در گروه کشورهای متوسط (به نسبت آزاد) قرار گرفته‌اند.

همان‌گونه که از جدول زمانی تغییرات آزادی اقتصادی کشورها نیز پیداست ترتیب قرار گرفتن کشورها در سال ۲۰۰۰ نیز به همین شکل بوده است و جابه‌جایی در جایگاه منطقه‌ای کشورها صورت نگرفته است. البته در دوره ۲۰۰۰-۲۰۰۹ بیشترین تغییر مثبت و حرکت به سمت آزادی اقتصادی را ازبکستان داشته است که امتیاز سال ۲۰۰۹ این کشور نسبت به وضعیت سال ۲۰۰۰ خود ۳۲/۵ درصد بهتر شده است. تاجیکستان، قزاقستان، ترکمنستان و قرقیزستان نیز در رتبه‌های بعدی از نظر بهبود در وضعیت خود، البته نسبت به امتیاز سال ۲۰۰۰، قرار گرفته‌اند. با این وجود امتیاز کلی این کشورها پایین است و هیچ یک در گروه کشورهای با اقتصاد کاملاً آزاد و یا بیشتر آزاد دنیا قرار ندارند.

عضویت در نهادهای اقتصادی بین‌المللی

عضویت در نهادهای بین‌المللی اقتصادی و پیوستن به موافقتنامه‌های تجاری و اقتصادی فراملی نیز نشان‌دهنده تلاش کشورها برای رقابت در عرصه جهانی و ادغام در اقتصاد جهانی است. سازمان تجارت جهانی^۱ یکی از مهم‌ترین نهادهای جهانی تنظیم‌کننده روابط تجاری و اقتصادی کشورهای دنیا است که تا ماه ژوئیه سال ۲۰۰۸ تعداد ۱۵۳ کشور به عضویت کامل این سازمان درآمده‌اند و تعداد زیادی از دیگر کشورهای باقی‌مانده نیز در حال گفت و گو برای عضویت در سازمان هستند که به‌عنوان عضو ناظر شناخته می‌شوند.

در بین کشورهای آسیای مرکزی قرقیزستان از دسامبر سال ۱۹۹۸ به‌عضویت کامل در این سازمان درآمده است. قزاقستان (۱۹۹۶)، تاجیکستان (۲۰۰۱) و ازبکستان (۱۹۹۴) به‌عنوان عضو ناظر شناخته می‌شوند و در حال گفت و گو برای گذراندن مراحل عضویت کامل خود هستند. ترکمنستان نیز هنوز این فرایند را آغاز نکرده است یعنی حتی به‌عنوان عضو ناظر نیز محسوب نمی‌شود (وب سایت سازمان تجارت جهانی). افزون بر تلاش عضویت در سازمان تجارت جهانی، کشورهای این منطقه به‌عضویت تعداد زیادی از نهادهای منطقه‌ای و موافقتنامه‌های اقتصادی دیگر نیز درآمده‌اند که از مهم‌ترین آنها می‌توان به سازمان همکاری اقتصادی (اگو)^۲، سازمان همکاری‌های شانگهای، کشورهای مستقل مشترک المنافع اشاره کرد.

سرمایه‌گذاری خارجی در آسیای مرکزی

کمبود سرمایه یکی از مشکلات کلیدی کشورهای در حال توسعه با هدف رهایی از عقب‌ماندگی و قرارگرفتن در مدار توسعه است. سرمایه‌گذاری خارجی افزون بر رشد و توسعه اقتصادی می‌تواند به حل مشکل بیکاری، ایجاد اشتغال، افزایش تولیدات و کاهش تورم، ارتباط با اقتصاد جهانی، گسترش بازارهای صادراتی و بهبود تراز پرداخت‌ها و پیشرفت در زمینه‌های تحقیق و توسعه به کشور میزبان کمک کند. روند سرمایه‌گذاری خارجی در جهان به‌ویژه بعد

1. World Trade Organization
2. Economic Cooperation Organization (ECO)

از دهه ۱۹۸۰ و با کاهش تنش‌های موجود در عرصه نظام بین‌الملل رو به افزایش بوده است. سازمان کنفرانس تجارت و توسعه سازمان ملل (آنکتاد)^۱ در گزارش «سرمایه‌گذاری جهانی ۲۰۰۷» اعلام کرد که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در جهان با ۳۸ درصد افزایش در سال ۲۰۰۶ نسبت به سال قبل، به ۱/۳۰۶ تریلیون دلار رسید (UNCTAD, 2007, p. 3). البته بحران اقتصادی اخیر جهان در این روند صعودی سرمایه‌گذاری در کشورهای در حال توسعه تأثیر منفی گذاشته است.

کشورهای آسیای مرکزی تا قبل از فروپاشی شوروی دارای نظام مستقل اقتصادی برای تصمیم‌گیری در مورد جذب سرمایه‌گذاری خارجی نبودند. تقریباً همه این جمهوری‌ها کمتر یا بیشتر از نظر اقتصادی وابسته به کمک‌های مسکو بودند. از سوی دیگر میزان توجه مسکو به جمهوری‌های شرقی خود کمتر از توجه آنها به جمهوری‌های اروپایی شوروی بود و این امر خود را در سرمایه‌گذاری‌های انجام شده در زیرساخت‌ها و اقتصاد این مناطق نشان داده است. در جریان بحران اقتصادی دهه ۱۹۸۰، در آسیای مرکزی نسبت به جمهوری‌های دیگر عضو اتحاد سرمایه‌گذاری کمتری صورت گرفت و در نتیجه شکاف بین دو بخش شرقی (کشاورزی) و غربی (صنعتی) اتحاد شوروی افزایش یافت.

در سال ۱۹۹۱ یعنی آخرین سال اتحاد، آسیای مرکزی بین ۴۵ درصد تا ۲۵ درصد از هزینه‌های عمومی خود را از مسکو دریافت می‌کردند، تاجیکستان ۴۵ درصد، قرقیزستان ۳۵ درصد، ازبکستان ۴۳ درصد، ترکمنستان و قزاقستان نیز هر کدام ۲۵ درصد بودجه برای هزینه‌های عمومی خود را از مسکو دریافت می‌کردند. وابستگی شدید آسیای مرکزی به یارانه‌های مسکو نشان‌دهنده انتقال سریع نوسان قیمت‌ها در روسیه به این جمهوری‌ها بود. به شکلی که در پی فروپاشی شوروی، در سال ۱۹۹۲ ناگهان این سوبسیدها متوقف شد و یک شبه افزایش قیمت صد تا پانصد درصدی در بسیاری از کالاهای اساسی و مواد غذایی حاصل شد (کولای، ۱۳۸۴، ص ۵۴).

درواقع تا قبل از فروپاشی اتحاد شوروی پدیده‌ای به اسم سرمایه‌گذاری غرب در آسیای مرکزی وجود نداشت. اگر چه در اواخر دهه ۸۰ برخی از شرکت‌های غربی فعالیت تجاری

1. United Nations Conference on Trade and Development (UNCTAD)

محدودی را در آسیای مرکزی آغاز کردند، اما کنترل مسکو بر منطقه و چارچوب قانونی به جا مانده از دوران کمونیستی، سرمایه‌گذاری خارجی را تقریباً غیرممکن کرده بود. با این حال بعد از سقوط اتحاد شوروی و ظهور کشورهای مستقل در سال ۱۹۹۱ صحنه اقتصادی کاملاً متحول شد. برای اولین بار دولت‌های آسیای مرکزی نه تنها بر منابع خود، بلکه بر سیستم قانونی حاکم بر کشورشان کنترل داشتند.

در نتیجه توانستند وارد بازار جهانی شوند و برحسب شرایط خاص خود سرمایه‌گذاران خارجی را به منطقه جلب کنند. واقعیت این است که استقلال به گونه‌ای بسیار ناگهانی و تا حدی ناخواسته بر دولت‌های این منطقه نازل شد. در این چارچوب فشار زیادی جهت اصلاحات اقتصادی و جذب سرمایه‌های خارجی بر این کشورها وارد آمد. بنابراین پس از استقلال، به‌فوریت رهبران کشورهای خود را بسیار تشنه سرمایه‌گذاری‌های خارجی در منطقه یافتند و آن را تشویق کردند. مهم‌ترین سرمایه‌گذاری از طرف غرب در سال‌های ۱۹۹۲ و ۱۹۹۳ در صنایع ترکمنستان و قزاقستان بوده است، اما گفت و گوهای طولانی و ممتد قبلاً برای چندین سال جریان داشت و امضای این قراردادها پس از استقلال دلیل بر سرمایه‌گذاری جدید و بزرگ نبود (اقبال خان، ۱۳۷۴، صص ۶-۵).

وضعیت جذب سرمایه‌گذاری خارجی در کشورهای آسیای مرکزی نیز برحسب عوامل متفاوت مؤثر بر سرمایه‌گذاری خارجی مانند وجود جذابیت‌های اقتصادی، نظام اقتصادی مطلوب برای سرمایه‌های خارجی، ثبات سیاسی نظام کشورهای منطقه و همچنین وجود منابع طبیعی و غیر طبیعی و ظرفیت‌های موجود در هر یک از کشورهای منطقه کاملاً متفاوت بوده است. هر چند که بعد از استقلال و با توجه به مشکلات اقتصادی و اجتماعی تقریباً همه این کشورها برای جذب سرمایه‌های خارجی و سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها و اقتصاد خود تلاش کرده‌اند و هر یک به شکلی تلاش کرده‌اند تا با خصوصی‌سازی اقتصاد، و تهیه و تصویب قوانین تسهیل سرمایه‌گذاری خارجی زمینه‌های این امر را نیز فراهم کنند. برای مثال در اوایل سال ۱۹۹۴، ازبکستان قوانین خصوصی‌سازی جهت تسریع سرمایه‌گذاری خارجی را تدوین کرد.

قرقیزستان و قزاقستان اقدام‌های مشابهی را در سال ۱۹۹۳ انجام داده بودند. همچنین با هدف جذب سرمایه خارجی، قزاقستان قانون سرمایه‌گذاری خارجی، قانون مناطق آزاد

اقتصادی، قانون اصول اولیه توسعه فعالیت‌های اقتصادی کشورهای خارجی را به تصویب رساند. ترکمنستان نیز قوانین جدید سرمایه‌گذاری خارجی را به تصویب رساند. ولی کوشش‌های تاجیکستان در این راستا به واسطه جنگ داخلی به عقب افتاد. این اصلاحات قانونی آن شکل از سرمایه‌گذاری را در پی داشت که بیشتر در قالب فعالیت‌های مشترک تجاری صورت می‌گرفت.

توافق قزاقستان برای توسعه میدان گاز طبیعی قره چگنک^۱ توسط شرکت‌های گاز بریتانیا و ایتالیا، توافق قزاقستان با شرکت شورون^۲ بر سر استخراج نفت از میدان نفت تنگیز و سرمایه‌گذاری ۳۰۰ میلیون دلاری شرکت آمریکایی فیلیپ موریس در صنایع تنباکوی قزاقستان، توافق ۱۹۰ میلیون دلاری با شرکت توتون‌سازی آمریکا- بریتانیا در مورد سرمایه‌گذاری جهت یک کارخانه سیگار سازی در ازبکستان، قرارداد تولید اتومبیل توسط شرکت کره‌ای دوو در ازبکستان، و قرارداد با شرکت آمریکایی نیومونت^۳ جهت توسعه معادن طلای ازبکستان، همگی نمونه‌ای از این توافقات هستند.

البته میزان جذب سرمایه توسط این کشورها به مراتب کمتر از حدی است که دولت‌های آسیای مرکزی توقع داشتند. این مقدار حتی در مقایسه با دیگر جمهوری‌های شوروی- مثل جمهوری‌های بالتیک- ناچیز است. از سوی دیگر، بسیاری از توافقات نام‌ها هنوز نهایی نشده است و بعضی دیگر نیز بعد از اعلام، با مشکلات زیادی مواجه شد(تت، ۱۳۷۴، صص ۵۵۹-۵۵۸).

همچنین قزاقستان و ازبکستان که در گذشته در زمینه ذوب طلا به روسیه وابسته بودند برای جذب سرمایه‌گذاران خارجی در این مورد تلاش زیادی کردند. منابع غنی نفت و گاز نیز سرمایه‌گذاران خارجی را جذب کرده است. قزاقستان بیش از ۱۰۰ پروژه مشترک با ژاپن، کره جنوبی، چین و کشورهای دیگر به امضا رسانده است(حیدر، ۱۳۷۴، صص ۵۷۵). البته نتایج تلاش کشورهای آسیای مرکزی در جذب سرمایه‌گذاری خارجی یکسان نبوده است.

-
1. Karachaganak Field
 2. Chevron
 3. Newmont Mining Corporation

جدول شماره ۵: سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در آسیای مرکزی (میلیون دلار)

سال	کشور	۲۰۰۰	۲۰۰۱	۲۰۰۲	۲۰۰۳	۲۰۰۴	۲۰۰۵	۲۰۰۶
		ازبکستان	۷۵	۸۳	۶۵	۷۰	۱۸۷	۸۸
تاجیکستان	۲۴	۹	۳۶	۱۳	۲۷۲	۵۴	۳۸۵	
ترکمنستان	۱۳۱	۱۷۰	۲۷۶	۲۲۶	۳۵۴	۴۱۸	۷۳۱	
قرقیزستان	۴۳۲	۴۱۴	۴۷۰	۵۰۱	۵۰۴	۵۱۷	۵۹۳	
قزاقستان	۱۰۰۷۸	۱۲۹۱۷	۱۵۴۶۴	۱۷۵۸۷	۲۲۳۷۶	۲۵۶۱۴	۳۲۴۷۶	
جمع کل	۱۰۷۴۰	۱۳۵۹۳	۱۶۳۱۱	۱۸۳۹۷	۲۳۶۹۳	۲۶۶۹۱	۳۴۳۴۹	

(طباطبایی یزدی، ۱۳۷۸، ص ۶۴)

در جدول بالا میزان سرمایه‌گذاری‌های صورت گرفته در جمهوری‌های آسیای مرکزی نشان داده شده است. در سال‌های ۱۹۹۰ و ۱۹۹۱ به این دلیل که این کشورها هنوز جزو بلوک شرق و تحت سلطه شوروی بودند هیچ سرمایه‌گذاری خارجی در این کشورها ثبت نشده و یا آمار آن موجود نیست. ولی به مرور پس از استقلال این جمهوری‌ها و ارتباط مستقل با جهان خارج، سرمایه‌های خارجی نیز به سوی این کشورها جذب شده است.

روند کلی جذب سرمایه در این جمهوری‌ها نیز به صورت کلی سیر صعودی داشته است هر چند که در زمان‌هایی افت سرمایه‌گذاری به ثبت رسیده است. نگاه کلی به این جدول نشان‌دهنده این است که بیشترین حجم سرمایه‌ها جذب کشورهایی شده‌اند که دارای ذخایر سرشار انرژی به‌ویژه نفت و گاز بوده‌اند. همان‌گونه که از این جدول پیداست در بین پنج کشور آسیای مرکزی بیشترین حجم سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی به ترتیب در قزاقستان، قرقیزستان و ترکمنستان جذب شده‌اند. تاجیکستان و ازبکستان نیز در مراحل بعدی قرار می‌گیرند.

جدول شماره ۶: سهم هر یک از کشورهای آسیای مرکزی از کل سرمایه‌گذاری در منطقه (۲۰۰۶-۲۰۰۰)

رتبه منطقه‌ای	درصد از کل سرمایه وارد شده به منطقه	کل سرمایه جذب شده (میلیون دلار)	کشور
۵	۰/۵۰٪	۷۳۲	ازبکستان
۴	۰/۵۵٪	۷۹۳	تاجیکستان
۳	۱/۶٪	۲۳۰۶	ترکمنستان
۲	۲/۳٪	۳۴۳۱	قرقیزستان
۱	۹۴/۹٪	۱۳۶۵۱۲	قزاقستان
----	۱۰۰٪	۱۴۳۷۷۴	جمع کل

آن‌گونه که آمار نشان می‌دهد از کل حجم ۱۴۳۷۷۴ میلیون دلار سرمایه‌گذاری انجام شده در منطقه در دوره ۲۰۰۰-۲۰۰۶ نزدیک به ۹۵ درصد آن جذب قزاقستان شده و چهار جمهوری دیگر آسیای مرکزی هر یک به ترتیب قرقیزستان ۲/۳ درصد، ترکمنستان ۱/۶ درصد، تاجیکستان ۰/۵۵ درصد، و ازبکستان نیز ۰/۵۰ درصد از کل این میزان را جذب کرده‌اند.

آنچه که از این مطالعات و آمارهای جهانی مشخص می‌شود، این است که در بین همه جمهوری‌های آسیای مرکزی وضعیت قزاقستان کاملاً متفاوت از دیگر کشورهای منطقه است و حجم بسیار بیشتری از سرمایه‌گذاری‌ها به سوی این جمهوری سابق شوروی حرکت کرده‌اند. که دلیل آن بیش از هر چیز دیگر می‌تواند در وجود منابع بسیار زیاد نفت و دیگر سوخت‌های مورد نیاز، سیاست‌های اقتصادی مناسب و مدیریت صحیح‌تر منابع است.

نکته دیگر اینکه ترکمنستان نیز با اینکه جزو کشورهای اصلی دارای ذخایر طبیعی سرشار در منطقه است ولی حجم بسیار کمتری از این منابع را جذب کرده و حتی از قرقیزستان نیز کمتر است. ازبکستان نیز در حالی که از نظر حجم اقتصادی جزو کشورهای بزرگ، پرجمعیت و دارای ظرفیت بالایی در منطقه است کمترین میزان سرمایه‌گذاری خارجی در منطقه را به خود جذب کرده است.

سهم تجارت در تولید ناخالص داخلی

رابطه و نسبت تجارت خارجی و تولید ناخالص داخلی نشان‌دهنده اهمیت تجارت بین‌المللی برای اقتصاد یک کشور از نظر واردات و صادرات است. معمولاً این شاخص را به‌عنوان شاخص و معیاری برای سنجش درجه بازبودن تجاری^۱ یک کشور می‌دانند. البته بدیهی است که چنانچه سهم تجارت خارجی در تولید ناخالص داخلی کشوری بیشتر باشد افزون بر این‌که نشان‌دهنده ادغام بیشتر اقتصاد آن کشور در بازار جهانی است از سوی دیگر این معنی را نیز در بردارد که این کشورها در برابر تغییرات اقتصاد جهانی حساس‌تر و آسیب‌پذیرتر نیز هستند.

معمولاً سهم تجارت در تولید ناخالص داخلی در کشورهای به‌نسبت کوچک (از نظر اقتصادی و جمعیت) و یا کشورهای دارای نظام تجاری بازتر بیش از کشورهای بزرگ یا کشورهای با نظام‌های اقتصادی خود اتکا است. این نسبت معمولاً از تقسیم مجموع صادرات و واردات بر تولید ناخالص داخلی کشور بدست می‌آید. البته کم‌بودن سهم تجارت در تولید ناخالص داخلی کشور نیز حتماً به معنی تحمیل موانع تعرفه‌ای یا غیر تعرفه‌ای بالا بر تجارت خارجی نیست و می‌تواند به معنی دور یا نزدیک بودن کشور به شرکای اصلی تجاری و محصور بودن کشورها باشد. در سه جدول زیر ابتدا سهم صادرات و واردات کالا و خدمات به‌عنوان درصدی از تولید ناخالص داخلی کشورهای مورد بررسی آورده می‌شود و سپس سهم کلی تجارت در تولید ناخالص داخلی مشخص می‌شود.

جدول شماره ۷: صادرات کالا و خدمات به‌عنوان درصدی از تولید ناخالص داخلی

سال	۱۹۹۱	۲۰۰۰	۲۰۰۲	۲۰۰۳	۲۰۰۴	۲۰۰۵	۲۰۰۶	۲۰۰۷
کشور								
ازبکستان	۳۵	۲۵	۳۱	۳۷	۴۰	۳۸	۳۸	۳۳
تاجیکستان	۳۳	۸۷	۶۵	۶۳	۵۸	۲۶	۲۳	۱۹
ترکمنستان	...	۹۶	۶۹	۶۲	۶۲	۶۵	۷۲	۶۳

1. Trade Openness

قرقیزستان	۳۵	۴۲	۴۰	۳۹	۴۳	۳۸	۳۹	۴۵
قزاقستان	...	۵۷	۴۷	۴۸	۵۲	۵۴	۵۱	۴۸

(World Bank, 2008)

سهم صادرات کالا و خدمات به‌عنوان درصدی از تولید ناخالص داخلی کشورهای آسیای مرکزی نیز نشان‌دهنده تفاوت وضعیت و ساختار اقتصادی این کشورها و میزان ادغام آنها در اقتصاد جهانی است. این شاخص به‌نوعی بخشی از همان شاخص بازبودن تجاری است که در گذشته نیز گفته شد. بررسی ترتیب قرار گرفتن کشورها نشان می‌دهد که در مدت مورد بررسی سهم صادرات به‌عنوان درصدی از تولید ناخالص داخلی در قرقیزستان و ازبکستان افزایش یافته که میزان این افزایش در قرقیزستان بیشتر بوده است. در سه کشور دیگر منطقه نیز این سهم افزایش یافته است که شدیدترین کاهش در تاجیکستان و کمترین کاهش در قزاقستان بوده است. در بین پنج کشور آسیای مرکزی صادرات کالا و خدمات بیشترین سهم را در تولید ناخالص داخلی ترکمنستان داشته است، هر چند که به مرور از ۹۶ درصد در سال ۲۰۰۰ به ۶۳ درصد در سال ۲۰۰۷ کاهش یافته است با این وجود بالاترین رقم در بین کشورهای منطقه است. رتبه دوم از این نظر متعلق به قزاقستان است که در مورد این کشور نیز در همین دوره زمانی از ۵۷ درصد به ۴۸ درصد کاهش یافته است. پس از این دو کشور، به‌ترتیب قرقیزستان، ازبکستان و تاجیکستان قرار می‌گیرند.

جدول شماره ۸: واردات کالا و خدمات به‌عنوان درصد از تولید ناخالص داخلی

سال	۱۹۹۱	۲۰۰۰	۲۰۰۲	۲۰۰۳	۲۰۰۴	۲۰۰۵	۲۰۰۶
ازبکستان	۳۹	۲۲	۲۹	۳۱	۳۳	۲۹	۲۷
تاجیکستان	۳۲	۱۰۱	۷۶	۷۳	۷۰	۵۳	۵۸
ترکمنستان	...	۸۱	۵۳	۵۷	۶۰	۴۸	۵۴
قرقیزستان	۳۷	۴۸	۴۳	۴۵	۵۱	۵۸	۷۹
قزاقستان	...	۴۹	۴۷	۴۳	۴۳	۴۵	۴۰

(World Bank, 2008)

جدول بالا نیز نشان‌دهنده سهم واردات در اقتصاد کشورهای منطقه است که می‌تواند میزان ادغام و وابستگی این کشورها به اقتصاد جهانی را نشان دهد و به‌نوعی نشان‌دهنده بازبودن تجاری است که در جدول قبلی بررسی شد. همان‌گونه که جدول نیز گویا است در مدت پس از استقلال سهم واردات در تولید ناخالص داخلی در قرقیزستان و تاجیکستان افزایش یافته که میزان این افزایش در قرقیزستان بسیار بیشتر بوده است. به شکلی که در سال ۲۰۰۷ واردات سهمی ۹۰ درصدی در تولید ناخالص داخلی این کشور داشته است. در سه کشور دیگر منطقه نیز این سهم کاهش یافته که بیشترین کاهش در ترکمنستان و کمترین کاهش در قزاقستان بوده است. قرقیزستان و تاجیکستان به‌ترتیب بیشترین وابستگی را به بازار جهانی دارند و ترکمنستان، قزاقستان و ازبکستان در رتبه‌های پایین‌تر وابستگی به تجارت جهانی قرار گرفته‌اند.

جدول شماره ۹: سهم تجارت (مجموع صادرات و واردات) به‌نسبت درصدی از تولید ناخالص داخلی (%)

سال	کشور							
	۱۹۹۱	۲۰۰۰	۲۰۰۲	۲۰۰۳	۲۰۰۴	۲۰۰۵	۲۰۰۶	۲۰۰۷
ازبکستان	۷۴	۴۷	۶۰	۶۸	۷۳	۶۷	۶۵	۷۰
تاجیکستان	۶۵	۲۰۰	۱۴۱	۱۳۶	۱۲۸	۷۹	۸۱	۸۷
ترکمنستان	...	۱۷۷	۱۲۲	۱۱۹	۱۲۲	۱۱۳	۱۲۶	۱۱۱
قرقیزستان	۷۲	۹۰	۸۳	۸۴	۹۴	۹۷	۱۲۱	۱۳۵
قزاقستان	...	۱۰۶	۹۴	۹۱	۹۵	۹۹	۹۱	۹۲

(World Bank, 2008)

آنچه که در جدول بالا نیز آورده شده است سهم تجارت کالا و خدمات (به‌صورت مجموع واردات و صادرات) از تولید ناخالص داخلی کشورهای منطقه است و نشان‌دهنده جمع دو جدول گذشته در هر سال و نسبت آن با کل تولید ناخالص داخلی هر کشور است. به‌همین دلیل در برخی موارد ممکن است مشاهده شود که جمع صادرات و واردات یک کشور از مجموع تولید ناخالص داخلی این کشور نیز بیشتر باشد که این امر می‌تواند نشان‌دهنده وجود موازنه منفی در درآمد و هزینه‌ها یا صادرات و واردات کشورها باشد. بیشتر کشورهای منطقه

صادرکننده مواد اولیه و خام به‌عنوان بخش اصلی تشکیل دهنده تولید ناخالص داخلی خود هستند و بیشتر نیازهای خود را نیز از کشورهای دیگر وارد می‌کنند به همین دلیل وابستگی این کشورها به اقتصاد بین‌الملل و ارتباط با دیگر کشورها بسیار زیاد است. بررسی آمار فوق نشان می‌دهد که در سال ۲۰۰۷ سهم تجارت خارجی در تولید ناخالص داخلی سه کشور تاجیکستان، ترکمنستان و قزاقستان به‌نسبت سال ۲۰۰۰ کاهش پیدا کرده است. البته میزان این کاهش در قزاقستان بسیار کمتر از دو کشور دیگر بوده است. در دو کشور دیگر نیز تاجیکستان بیشترین کاهش را داشته است. سهم این شاخص در قرقیزستان و ازبکستان در این مدت افزایش یافته که در قرقیزستان بسیار بیشتر از ازبکستان بوده است. این وضعیت با شاخص‌های آزادی اقتصادی این کشورها که در ابتدای همین بخش بررسی شد نیز تطبیق دارد بدین معنی که در این آمار نیز نشان داده شده است که قرقیزستان از آزادی اقتصادی بیشتری نسبت به دیگر کشورها برخوردار بوده است.

نتیجه

در بررسی وضعیت ادغام اقتصادهای آسیای مرکزی در اقتصاد جهانی در دوره ۲۰۰۷-۲۰۰۰ مشخص شد که در بین کشورهای منطقه از نظر شاخص آزادی اقتصادی تفاوت‌های چشمگیری وجود دارد. رتبه جهانی کشورهای منطقه از ۷۴ (قرقیزستان) تا ۱۶۹ (ترکمنستان) که یکی از بدترین رکوردهای جهانی است، متغیر بوده است. کشورهای منطقه از این نظر در سه گروه اقتصادهای کاملاً بسته (ترکمنستان)، اقتصادهای نسبتاً بسته (ازبکستان و تاجیکستان) و اقتصادهای متوسط یا نسبتاً آزاد (قرقیزستان و قزاقستان) قرار گرفته‌اند. ترتیب قرار گرفتن کشورهای منطقه از نظر رتبه آزادی اقتصادی در سال ۲۰۰۹ بدین ترتیب بوده است: قرقیزستان (۷۴)، قزاقستان (۸۳)، تاجیکستان (۱۲۲)، ازبکستان (۱۴۸) و ترکمنستان (۱۶۹). البته در مدت مورد بررسی ازبکستان، تاجیکستان، قزاقستان، ترکمنستان و قرقیزستان به‌ترتیب بیشترین تغییر مثبت در جهت آزادی اقتصادی را تجربه کرده‌اند.

با این وجود به‌نظر می‌رسد که شاخص آزادی اقتصادی نمی‌تواند توضیح دهنده عملکرد متفاوت کشورهای منطقه در خصوص هدف‌های توسعه هزاره باشد. همان‌گونه که در مقدمه نیز

گفته شد در بین پنج کشور منطقه، قزاقستان بهترین عملکرد را در زمینه دستیابی به هدف‌های توسعه هزاره سازمان ملل داشته است. قرقیزستان، ازبکستان، ترکمنستان و تاجیکستان نیز در رتبه‌های بعدی در سطح منطقه قرار گرفته‌اند. به عبارتی از نظر شاخص آزادی اقتصادی تاجیکستان جایگاه متوسطی را در منطقه کسب کرده است در حالی که پایین‌ترین رتبه دستیابی به هدف‌های هزاره را در کارنامه خود دارد. ازبکستان با اینکه رتبه پایینی از نظر آزادی اقتصادی داشته است ولی دستیابی آن کشور به هدف‌های توسعه هزاره با این رتبه هماهنگ نیست. همین وضعیت در مورد ترکمنستان نیز صادق است. این کشور یکی از بسته‌ترین اقتصادهای دنیا است ولی عملکرد آن در دستیابی به هدف‌های هزاره بهتر از تاجیکستان بوده است که شاخص آزادی اقتصادی بهتری دارد.

در دیگر شاخص بررسی شده یعنی عضویت در سازمان تجارت جهانی، قزاقستان با اینکه عضو سازمان تجارت جهانی نیست ولی عملکردش بهتر از قرقیزستان به‌عنوان تنها کشور منطقه عضو این سازمان است. بیشترین جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در منطقه را قزاقستان داشته و به‌تنهایی حدود ۹۵ درصد کل سرمایه‌های وارد شده به منطقه را جذب کرده است. در حالی که سهم دیگر کشورهای منطقه از این نظر از ۲/۳ درصد تا حدود ۰/۵ درصد متغیر بوده است. بعد از قزاقستان، قرقیزستان بیشترین سرمایه خارجی را در منطقه جذب کرده است (۲/۳ درصد) و سه کشور دیگر نیز به ترتیب ترکمنستان (۱/۶ درصد)، تاجیکستان (۰/۵ درصد) و ازبکستان (۰/۵۰ درصد) هستند.

ترتیب جذب سرمایه‌های خارجی و مقایسه آن با نحوه قرارگرفتن کشورها در دستیابی به هدف‌های توسعه هزاره نیز نشان‌دهنده عدم تطابق کامل و توضیح این روند توسعه است. برای مثال ترکمنستان عملکرد ضعیفی در هدف‌های توسعه هزاره داشته است و در جایگاه چهارم منطقه‌ای قرار دارد ولی سومین کشور جذب کننده سرمایه خارجی بوده است. تاجیکستان نیز با اینکه ضعیف‌ترین عملکرد در دستیابی به هدف‌های توسعه هزاره را داشته است ولی از نظر جذب سرمایه خارجی در جایگاه چهارم منطقه‌ای و بالاتر از ازبکستان که عملکرد بهتری در هدف‌های هزاره داشته، قرار گرفته است.

شاخص دیگری که به‌عنوان یکی از شاخص‌های ادغام در اقتصاد جهانی و وابستگی به اقتصاد بین‌الملل مورد توجه قرار گرفت، سهم تجارت در تولید ناخالص داخلی این کشورها

بود. در این مورد نیز به ترتیب در قرقیزستان، ترکمنستان، قزاقستان، تاجیکستان و ازبکستان تجارت خارجی بیشترین سهم را در تولید ناخالص داخلی داشته است. این شاخص نیز نمی‌تواند تفاوت کشورها در هدف‌های توسعه هزاره را توضیح دهد چرا که به‌عنوان مثال قزاقستان از نظر این شاخص در جایگاه سوم منطقه است ولی بهترین عملکرد را در هدف‌های توسعه هزاره داشته است.

برعکس ترکمنستان نیز که رتبه بالای منطقه‌ای را در سهم تجارت خارجی از تولید ناخالص داخلی داشته است ولی عملکرد ضعیفی در هدف‌های توسعه هزاره داشته است. در قرقیزستان سهم تجارت در تولید ناخالص داخلی در مدت مورد بررسی هم بالاترین درصد را در سطح منطقه داشته و هم بیشترین رشد را تجربه کرده است. ولی عملکرد آن از نظر دستیابی به هدف‌های هزاره در جایگاه دوم منطقه و بعد از قزاقستان بوده است. بنابراین متغیر ادغام در اقتصاد جهانی، تفاوت عملکرد کشورهای آسیای مرکزی در دستیابی به هدف‌های توسعه هزاره سازمان ملل متحد را توضیح نمی‌دهد. هر چند نمی‌توان منکر تأثیر این امر در توسعه کلی این کشورها شد. در پایان به نظر می‌رسد که برای درک بهتر عملکرد نامتجانس کشورهای آسیای مرکزی در دستیابی به هدف‌های توسعه هزاره، جدا از باز بودن یا بسته بودن اقتصاد هر کشور، باید به عوامل دیگری همچون شاخص‌های توسعه اجتماعی، ساختار اقتصاد کلان این کشورها، توزیع منابع بین بخش‌های مختلف، کمک‌های خارجی و پاسخگو بودن دولت‌های این کشورها در برابر جامعه بین‌المللی توجه کرد.^۱

منابع و ماخذ

الف- فارسی

۱. اقبال خان تارین، پرویز (۱۳۷۴)، منافع منطقه‌ای در آسیای مرکزی، بر گرفته از کتاب: سید رسول موسوی، منابع و ظرفیت‌های اقتصادی در آسیای مرکزی و قفقاز، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت خارجه.

۱. برای مطالعه و مقایسه تأثیر شاخص‌های توسعه اجتماعی کشورهای آسیای مرکزی در دستیابی به هدف‌های توسعه هزاره نگاه کنید به: رضایی اسکندری، داود، "توسعه اجتماعی در آسیای مرکزی"، یک مقایسه آماری، مجله مطالعات اوراسیای مرکزی، سال سوم، شماره ۶، بهار و تابستان ۱۳۸۹، صفحات ۴۰-۱۹.

۲. تت، گیلیان (۱۳۷۴)، سرمایه‌گذاری غرب در آسیای مرکزی: خیال واهی یا راهی به سوی آینده؟، بر گرفته از کتاب: سید رسول موسوی، منابع و ظرفیت‌های اقتصادی در آسیای مرکزی و قفقاز، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت خارجه.
۳. حیدر، منصوره (۱۳۷۴)، چشم‌انداز اقتصاد آسیای مرکزی، بر گرفته از کتاب: سید رسول موسوی، منابع و ظرفیت‌های اقتصادی در آسیای مرکزی و قفقاز، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت خارجه.
۴. رضایی اسکندری، داود (۱۳۸۸)، هدف‌های توسعه هزاره و عملکرد نامتقارن کشورهای در حال توسعه، رساله دکتری روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
۵. رضایی اسکندری، داود، «توسعه اجتماعی در آسیای مرکزی، یک مقایسه آماری»، مطالعات اوراسیای مرکزی، سال سوم، شماره ۶، بهار و تابستان ۱۳۸۹، صفحات ۴۰-۱۹.
۶. طباطبایی یزدی، رویا، زینب ابوطالبی (۱۳۷۸)، وضعیت اقتصادی و اجتماعی جمهوری اسلامی ایران در مقایسه با کلیه کشورهای منطقه آسیای جنوب غربی، پژوهشکده تحقیقات راهبردی، گروه پژوهشی اقتصاد، پژوهشنامه شماره ۸.
۷. کولایی، الهه (۱۳۸۴)، بازی بزرگ جدید در آسیای مرکزی، زمینه‌ها و چشم‌انداز، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

ب- انگلیسی

1. AftabYazd(2008), Available at: <http://www.aftabyazd.com>, (accessed on: 23 Feb. 2009).
2. <http://www.trtpersian.com/international/newsDetail>, (accessed on: 23 Jan. 2009).
3. UNCTAD(2008), Available at: <http://www.unctad.org>, (accessed on: 1 Mar. 2009).
4. UNCTAD(2007), "World Investment Report 2007", Available at: <http://www.unctad.org>, (accessed on: 28 Feb. 2009).
5. World Bank (2008), "World Development Indicators 2008", Available at: <http://ddp-ext.worldbank.org>, (accessed on: 23 Jan. 2009).
6. World Trade Organization, "Understanding the WTO: Members and Observers", Available at: <http://www.wto.org>, (accessed on: 10 Sep. 2008).